

رابطه نگرش زبانی با مؤلفه‌های هویت قومی فرهنگی در سه نسل از مهاجران ایرانی به بحرین

زهرا عباسی^{۱*}، محبوبه باقری^۲

۱. استادیار آموزش زبان فارسی، دانشگاه تربیت مدرس

۲. مدرس آرفا، دانشگاه علامه طباطبائی

دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۲۸ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۲۱

The Relationship between Language attitude and Ethnocultural Identity Components in Three Generations of Iranian Immigrants in Bahrain

Zahra Abbasi^{1*}, Mahboobeh Bagheri²

1. Assistant professor of Persian Language Teaching, Tarbiat Modares University

2. Teacher of Persian to Non-Persian Speakers, Persian Language Teaching Graduate, Allameh Tabataba'i University

Received: 2018/08/19 Accepted: 2018/10/13

Abstract

The purpose of this research is to investigate the changes as well as the effect of the language in use (Persian or Arabic) on ethnocultural identity and its components across three generations of Iranians migrating in Bahrain by means of the standard questionnaire of Mutual Intercultural Relations in Plural Societies (MIRIPS). The components under study were language in use and attitude toward Persian language versus Arabic language, preserving Iranian versus Arab traditions, attitude towards social activities, attitude towards social connections, and friends, as well as the sense of belonging to Iranian culture as compared with Arabic culture. The findings of the research indicate that there is a significant difference across the three generations in terms of the attitudes towards these components with the first generation immigrants feeling more attached to their primary identity group (i.e. the Iranian ethnic identity) as compared to the other groups. Besides, it was observed that this cultural affinity and sense of belonging to their primary identity group have slowly diminished in other generations, a result which is visible in all components of ethnocultural identity. Findings do not show any distinct gap among the generations; yet the ethnocultural identity can be observed continuously across the different generations. Also, the results of Pearson correlation test display that the language affects all components of ethnocultural identity showing a positive and meaningful relationship with them.

Keywords identity, ethnocultural identity, mother tongue, second and third generation immigrants.

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تغییرات در نگرش‌های هویت قومی-فرهنگی و تأثیر زبان (فارسی یا عربی) بر دیگر مؤلفه‌های هویت قومی-فرهنگی در بین سه نسل از ایرانیان مهاجر در بحرین، با استفاده از پرسش‌نامه استاندارد ارتباطات متقابل بین فرهنگی در جوامع متنوع (MIRIPS) انجام شد. زبان در حال کاربرد، نگرش نسبت به زبان فارسی در برابر زبان عربی، حفظ سنت‌های ایرانی در برابر سنت‌های عربی، نگرش نسبت به فعالیت‌های اجتماعی، ارتباطات اجتماعی و دوستان و حس تعلق به فرهنگ ایرانی در برابر فرهنگ عربی، به عنوان مؤلفه‌های موردنظر این پژوهش انتخاب شدند. بررسی یافته‌ها نشان داد از لحاظ نگرش نسبت به این مؤلفه‌ها تفاوت معناداری میان سه نسل وجود دارد و نسل اول مهاجران احساس تعلق خاطر بیشتر و بهتری به گروه هویتی اولیه خود، یعنی هویت قومی-فرهنگی ایرانی، نسبت به بقیه گروه‌ها دارند و این وابستگی فرهنگی و حس تعلق در نسل‌های دیگر به تدریج کم شده است. این نکته در همه مؤلفه‌های هویت قومی-فرهنگی قابل مشاهده است. همچنین، براساس یافته‌ها، نمی‌توان فاصله مشخصی میان نسل‌ها قائل شد، بلکه باید هویت قومی-فرهنگی را در میان نسل‌های مختلف به صورت پیوستاری تلقی کرد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نیز نشان داد که زبان بر تمامی مؤلفه‌های هویت قومی-فرهنگی تأثیرگذار است و با آنها رابطه‌ای مثبت و معنادار دارد.

کلیدواژه‌ها: نام هویت، هویت فرهنگی-قومی، زبان مادری، نسل دوم و سوم مهاجران.

مقدمه

هویت مهاجران و تعلق آنها به عناصر هویتی جامعه میزبان یا جامعه مادر و تفاوت در نگرش‌های قومی- فرهنگی در بین نسل‌های مختلف مهاجران از موضوعات قابل توجه در پژوهش‌های جامعه‌شناختی دوران معاصر است. در بررسی تأثیر مهاجرت بر فرهنگ و هویت افراد، سنجش ویژگی‌های هویت قومی مهاجران نسل‌های مختلف از پیچیدگی‌های بسیاری برخوردار است. بررسی این موضوع و تحلیل زبان در حال کاربرد^۱ مهاجران و میزان و نوع دوزبانگی آنان برای زبان‌شناسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا زبان نقش مهمی در ایجاد هویت دارد. منظور از زبان در حال کاربرد زبانی است که مهاجران در خانه و یا در جامعه به‌عنوان وسیله ارتباطی به کار می‌برند. مهاجران، با توجه به آشنایی با دو زبان، خود انتخاب می‌کنند که کدام زبان را به کار ببرند و به این ترتیب مفهوم زبان در حال کاربرد معنا می‌یابد.

هرچند یکی از نقش‌های اصلی زبان برقراری ارتباط است، اما نقش مهم دیگر آن ایجاد هویت در افراد و تعیین وفاداری افراد به گروه‌های هویت قومی و فرهنگی آنها است (قمری و حسن‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۵۵). اصطلاح هویت قومی شامل احساسات، تجارب و رفتارهایی است که در تمامیت خود، بیانگر جایگاه فرد با توجه به عضویت او در یک گروه قومی واحد یا گروه‌های قومی متکثر است و هویت فرهنگی مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، رسوم و رفتارها است، که اعضای جامعه به کار می‌بندند تا خود را با دیگر اعضای جامعه سازگار سازند (فینی^۲ و اونگ^۳، ۲۰۰۷: ۲۷۱). هویت فرهنگی هویت یک گروه یا حس تعلق به آن است. این احساس بخشی از خودآگاهی و درک شخصی فرد و مربوط به تابعیت، زبان، قومیت، دین، طبقه اجتماعی یا هر گروه اجتماعی دارای فرهنگ متمایز خود است.

مهاجرت تغییر مکان اقامت معمول فرد از یک کشور به کشور دیگر تعریف می‌شود (کریتنز^۴، ۲۰۰۷: ۳۰۱۹)، اما مهاجرت تنها تغییر فضای جغرافیایی نیست، بلکه قرار گرفتن در فضای بینابینی اقوام و فرهنگ‌های مختلف است که به فرد امکان می‌دهد در میان عناصر هویت‌ساز جوامع مقصد و

مبدأ قرار گیرد؛ عناصری که گاه مشابه و گاه متضادند و، از این رو، جابه‌جایی در «خود» و «هویت» افراد در فرایند مهاجرت پدیدار می‌شود. بنابراین، می‌توان این عقیده را پذیرفت که هویت مهاجران بر ساخته اجتماعی است که در آن قرار دارند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۳۶)، اما در کنش‌های روزمره، ایجاد و خلق می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۵-۱۱۹). همچنین، شکل‌گیری هویت در بستر اجتماعی، ایده سیال بودن هویت مهاجران را پدید می‌آورد (برمن، ۱۳۸۲: ۱۹)؛ به این صورت که مهاجران می‌توانند در زمان‌های متفاوت، هویت‌های مختلفی داشته باشند.

هدف از انجام این پژوهش بررسی تغییرات در نگرش‌های هویت قومی- فرهنگی در بین سه نسل از ایرانیان مهاجر در بحرین است. نسل اول افراد متولد ایران هستند و خودشان برای مهاجرت به بحرین تصمیم گرفته‌اند، یا با والدین خود به بحرین مهاجرت کرده‌اند و بخشی از دوران زندگی‌شان را در مناطق فارسی زبان ایران ساکن بوده‌اند. نسل دوم افرادی هستند که والدینشان به‌عنوان نسل اول مقیم بحرین شده‌اند و نسل سوم فرزندان نسل دوم هستند. البته نکته حائز اهمیت این است که نسل اول فارسی‌زبانانی هستند که در زمانی مهاجرت کرده‌اند که بحرین هنوز بخشی از کشور ایران محسوب می‌شده، اما به دلایل مختلف سیاسی، مذهبی یا اقتصادی از مناطق فارس‌نشین، به ویژه استان فارس و هرمزگان، به بحرین که ساکنان اصلی آن عرب بوده‌اند، مهاجرت کرده‌اند. اما نسل دوم و سوم زمانی به دنیا آمده‌اند که کشور بحرین از ایران مستقل شده است.

دو پرسش اصلی که این پژوهش در پی پاسخ دادن به آنها است، عبارت‌اند از این که نگرش‌های هویت قومی- فرهنگی بین سه نسل از مهاجران ایرانی در بحرین چه تغییراتی کرده است؟ و زبان در حال کاربرد و نگرش نسبت به زبان فارسی و عربی^۵ در این افراد چه تأثیری بر دیگر مؤلفه‌های هویت قومی- فرهنگی آنان دارد؟ هویت قومی- فرهنگی فارس (ایرانی) به‌عنوان هویت اولیه و هویت قومی- فرهنگی بحرینی (عرب) به‌عنوان هویت قومی ثانویه جامعه مورد پژوهش در نظر گرفته شده است.

۵. نگرش نسبت به زبان از این رو حائز اهمیت است که نسل دوم و سوم با زبان فارسی آشنایی بسیار کمی دارند و درصد کمی از آنها از این زبان به‌عنوان وسیله ارتباطی استفاده می‌کنند، اما نگرش این افراد نسبت به زبان بر دیگر مؤلفه‌های هویتی قابل سنجش است.

1. language in use
2. Phinney
3. Ong
4. Kritz

متعدد کرده، به طوری که هر رشته علمی به فراخور روش و مسأله علمی، معنای خاصی از آن در نظر گرفته است. ریتزر اعتقاد دارد «هویت تلاش انسان برای بروز تمایز نسبت به دیگران است، در حالی که به رفتار خود شکل می‌دهد» (۱۳۸۹: ۹۳). کاستلز (۱۳۸۰: ۲۵) «هویت را فرایند معناسازی براساس یک یا مجموعه‌ای به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی می‌داند که بر دیگر منابع معنایی اولویت داده می‌شود و برای هر طبقه یا گروه خاص ممکن است چندین هویت وجود داشته باشد». هویت چهارچوبی است پویا که بیشتر شکلی از آگاهی به خود، جامعه، فرهنگ، تاریخ و به آینده القا می‌شود. این چهارچوب سرزنده، پویا و در حال تحول است (رجایی، ۱۳۸۲: ۱۴). در آراء صاحب نظران ده عنصر به عنوان مؤلفه‌های هویت مورد تأکید قرار گرفته است: سرزمین مشترک؛ نژاد و ملیت مشترک؛ فرهنگ و آداب و رسوم، خاطرات، باورها، نمادها، عواطف و میراث فرهنگی مشترک؛ نظام سیاسی و دولت؛ تاریخ و پیشینه مشترک؛ اقتصاد واحد و مشترک؛ زبان مشترک؛ هنر و ادبیات؛ دین مشترک؛ و هویت جهانی شده و سیال (آزاد ارمکی و وکیلی، ۱۳۹۲: ۹).

یکی از انواع هویت قومی-فرهنگی است. از نظر تروفیموویچ^۳ و تروشوا^۴ (۲۰۱۵: ۲۳۴) هویت قومی تجربه‌ای ذهنی است که در بردارنده احساسات، تجارب و رفتارهایی است که جایگاه افراد را در ارتباط با یک یا چندین گروه قومی تعیین می‌کند. هویت قومی بخشی از زمینه‌ای گسترده از مطالعات هویت‌شناسی را به خود اختصاص داده که در پهنه بالینی، اجتماعی، روان‌شناسی تعامل فرهنگی، زبان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی (به ویژه در حیطه مهاجرت و مسائل زبانی) و مباحث حقوقی-قانونی گسترش یافته است. هویت قومی پدیده‌ای چند بعدی و یکی از ساختارهای هویتی و دارای فرضیاتی پیچیده است و مسئول تعیین جایگاه افراد در یک گروه است. هویت قومی یک بعد از ابعاد هویت اجتماعی افراد است که می‌تواند براساس شاخص‌هایی چون جنس، سن، تبار، جنسیت یا طبقات اجتماعی تعریف گردد. در «هویت فرهنگی» نسبت هویت با مفاهیم پیچیده‌ای چون فرهنگ و ملیت، کلافی در هم تنیده را پدیدار می‌سازد که مفهوم هویت را با رویکردهای نظری گوناگون مواجه می‌سازد (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۵۶).

به منظور پاسخ دادن به پرسش‌های اصلی پژوهش و با توجه به گستردگی مؤلفه‌های هویت فرهنگی-قومی، موارد ذیل به عنوان مؤلفه‌های هویت قومی-فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

۱. زبان در حال کاربرد و نگرش نسبت به زبان فارسی در برابر زبان عربی؛
۲. حفظ سنت‌های ایرانی در برابر سنت‌های عربی؛
۳. نگرش نسبت به فعالیت‌های اجتماعی (شرکت در فعالیت‌های اجتماعی مشترک با افراد گروه قومی ایرانی در برابر فعالیت‌های اجتماعی مشترک با عرب‌ها)؛
۴. ارتباطات اجتماعی و دوستان (انتخاب دوست از گروه قومی ایرانی یا گروه قومی عرب و میزان اشتراکات زبانی با آنان)؛ و
۵. حس تعلق به فرهنگ ایرانی در برابر فرهنگ عربی (نگرش شخصی فرد به هویت قومی اولیه و ثانویه خود).

برای انجام پژوهش پرسش‌نامه‌ای در ۷ بخش و ۶۳ سؤال طراحی شد و سه نسل از ایرانیان مهاجر در بحرین به آن پاسخ دادند. این پرسش‌نامه بخشی از پرسش‌نامه استاندارد ارتباطات متقابل بین فرهنگی در جوامع متکثر^۱ (MIRIPS) است. پروژه همکاری بین‌المللی (MIRIPS) هویت و فرهنگ ملی و قومی و نیز نگرش‌های بین فرهنگی از جمله زبان، اولویت ازدواج، نگرش‌های شخصی نسبت به هویت فرهنگی و قومی، احساس امنیت فرهنگی، قوم‌نگاری، سلسله مراتب و روابط متقابل در جوامع مختلف را بررسی می‌کند. مدیریت این پروژه را جان بری^۲ در دانشگاه کوئین در کانادا برعهده دارد. در پژوهش حاضر از میان مؤلفه‌های هویت فرهنگی و قومی، زبان در حال کاربرد به عنوان متغیر اصلی و تأثیر آن بر مؤلفه‌های دیگر هویتی، از جمله ارتباطات اجتماعی (ارتباطات اجتماعی و دوستان)، تعلق و نگرش شخصی فرد به هویت قومی اولیه و ثانویه خود و طرز تفکر و انتظارات وی نسبت به گروه‌های قومی مختلف، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبانی نظری

ماهیت پیچیده و سیال مفهوم هویت آن را موجد معانی

3. Trofimovich
4. Turuševa

1. The Mutual Intercultural Relations in Plural Societies
2. John Berry

مدت زمان سکونت در جامعه مقصد. به‌عنوان نمونه می‌توان به پژوهش شنپف^۱ (۲۰۰۷) در مورد مهاجران در ۱۰ کشور اروپایی اشاره کرد که همین نکته را مورد تأکید قرار می‌دهد.

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر در ایران مؤسسات علمی و افراد بسیاری به موضوع هویت، زبان و مهاجرت پرداخته‌اند و کتاب‌ها و مقالات فراوانی درباره هویت منتشر شده است، که با توجه به محدودیت حجم مقاله به اختصار به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

نواح و تقوی‌نسب (۱۳۸۶) به بررسی تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و ملی در میان عرب‌های خوزستان پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که رابطه‌ای معکوس میان هویت ملی و قومی عرب‌های خوزستان وجود دارد. حاجیانی (۱۳۸۸) معتقد است هویت ملی و هویت قومی در میان اقوام ایرانی، قوت و برجستگی دارند و میان آنها رابطه تعارض‌آمیزی وجود ندارد. قمری و حسن‌زاده (۱۳۸۹) نیز درباره نقش زبان در هویت ملی تحقیق کردند و زبان را جزء مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت ملی دانستند. فروتن (۱۳۹۱) نشان داد بین فاصله فرهنگی و اجتماعی و شدت تأثیر مهاجرت در ایجاد تغییر در هویت رابطه‌ای معکوس وجود دارد و عواملی همچون مهارت زبانی و طول اقامت در جامعه جدید، نقش مثبتی در وضعیت مهاجران دارد. میرزایی، آقایی و قربان‌پور (۱۳۹۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که رابطه‌ای بین میزان تسلط به زبان مادری، هویت ملی و احساس محرومیت وجود ندارد، اما این رابطه با هویت قومی و عزت نفس دارای رابطه مثبت، هم‌افزا و معنادار است. دانش و توکلی (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود درباره هویت نسل دوم ایرانیان خارج از کشور به این نتیجه دست یافتند که در تعریف نسل دوم مفهوم ذهنیت نسلی بدون محدودیت سنی به کار رفته و سطح تحلیل در پژوهش‌ها بیشتر خرد و میانه بوده است.

روش‌شناسی

تحقیق حاضر از نوع کاربردی و روش بررسی در آن توصیفی-تحلیلی و پیمایشی است. برای گردآوری داده‌ها از روش میدانی استفاده شده است. ابزار اصلی گردآوری داده‌های پژوهش پرسش‌نامه‌ای در ۷ بخش و ۶۳ گویه است که بخشی از پرسش‌نامه استاندارد ارتباطات متقابل بین‌فرهنگی در جوامع متنکر (MIRIPS) است (که در مقدمه معرفی شد). روایی ابزار

هویت فرهنگی مشرف بر تمام هویت‌ها است که هم از تمام آنها شکل گرفته و هم آنها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (اسماعیلی، معمار و رتوفی منش، ۱۳۹۰: ۱۸). بر این اساس، هویت فرهنگی عبارت است از مجموعه ویژگی‌های پایدار تشکیل‌دهنده خلق و خوی افراد، که در تمام نگرش‌های انسان، اعم از دینی، ملی، قومی، آداب و رسوم، ریشه دارد و در تمام ساحت‌های زندگی انسان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم ظهور و بروز پیدا می‌کند (علیخانی، ۱۳۸۶: ۱۰۱). روح‌الامینی از دیدگاه انسان‌شناسان هویت فرهنگی را شامل مؤلفه‌هایی چون ملت، قلمرو جغرافیای سیاسی، زبان و دین دانسته است (۱۳۷۹: ۲۸ و ۱۱۰). فکوهی (۱۳۹۵) مهم‌ترین مؤلفه هویت فرهنگی را زبان می‌داند و می‌گوید زبان نه تنها به مثابه ابزار ارتباط اصلی، بلکه به‌عنوان ابزار اجتماعی شدن افراد و ظرف اصلی اندیشیدن، انباشت فکر و مرکز پردازش داده‌های دریافتی از جهان بیرونی و به مادیت درآوردن آنها از طریق نظام شناختی عمل می‌کند.

درباره رابطه هویت قومی و زبان، می‌توان گفت زبان یکی از مؤلفه‌های اصلی هویت است و هویت مردم هر کشوری را نشان می‌دهد (قمری ۱۳۸۵: ۹۸). زبان هویت را نمادپردازی و بازنمایی می‌کند. تروفیموویچ و تروشوال (۲۰۱۵: ۲۳۶-۲۳۸) معتقدند که آموزش زبان و کسب و حفظ هویت قومی ارتباطی دوسویه با یکدیگر دارند؛ کاربران زبان دوم می‌توانند به‌طور موفقیت‌آمیزی هویت قومی اولیه خود را حفظ کنند و همچنین زبان دوم را فرا گیرند. تجارب موفق یادگیری به تطابق هویت‌های چندزبانی، چندفرهنگی وابسته است و موجب هویت‌پذیری موفق فرد در جامعه زبان دوم و چندفرهنگی شدن وی می‌گردد.

یکی دیگر از موضوعاتی که بر هویت تأثیرگذار است امر مهاجرت است. مهاجرت معمولاً فرصت‌ها و زمینه‌های قابل توجهی را برای ایجاد تغییرات هویتی فراهم می‌آورد (فروتن، ۱۳۹۱). موضوع هویت مهاجران و احساس تعلق به مؤلفه‌های هویتی جامعه مقصد و همچنین جامعه مبدأ، یکی از موضوعات مهم جامعه‌شناختی در چند دهه اخیر بوده است. تجزیه و تحلیل مطالعات و پژوهش‌های پیشین این واقعیت را به خوبی نشان می‌دهد که میزان تأثیرگذاری مهاجرت بر هویت و وضعیت مهاجران در جامعه جدید معمولاً به مجموعه‌ای از عوامل بستگی دارد که در میان آنها نقش دو عامل برجسته‌تر به نظر می‌رسد. این دو عامل عبارتند از میزان تسلط به زبان اصلی رایج در جامعه مقصد مهاجرت و

1. Schnepf

جدول ۳. میزان تحصیلات پاسخ‌گویان

درصد	فراوانی	سطح تحصیلات	نسل‌ها
۹/۱	۱	دوم ابتدایی (۲ کلاس)	نسل اول
۳۶/۴	۴	۴ ابتدایی	
۱۸/۲	۲	۶ ابتدایی	
۲۷/۳	۳	دیپلم	
۹/۱	۱	لیسانس	
۵/۹	۱	۶ ابتدایی	نسل دوم
۴۱/۲	۷	دیپلم	
۵/۹	۱	لیسانس از کالج فنی	
۵/۹	۱	فوق دیپلم	
۲۳/۵	۴	لیسانس	
۱۷/۶	۳	فوق لیسانس و بالاتر	نسل سوم
۲۸/۶	۶	دیپلم	
۴/۸	۱	فوق دیپلم از کالج فنی	
۴/۸	۱	لیسانس از کالج فنی	
۲۳/۸	۵	فوق دیپلم	
۱۹	۴	لیسانس	نسل سوم
۱۹	۴	فوق لیسانس و بالاتر	

علاوه بر این، ویژگی‌های توصیفی دیگری از افراد شرکت‌کننده در این تحقیق به دست آمد، از جمله (۱) همه شرکت‌کنندگان در این پژوهش از نظر وضعیت اجتماعی و اقتصادی (مالکیت) در حد مطلوب بودند؛ و (۲) همه شرکت‌کنندگان در پژوهش از نظر محل سکونت، در یک محل واحد زندگی می‌کردند، اما نگرش آنان نسبت به ترکیب قومی محل زندگی متفاوت بود. درحالی‌که ۷۲٪ شرکت‌کنندگان نسل اول معتقد بودند که اکثر مردم در محل زندگی‌شان از گروه قومی متفاوت از آنها هستند، در میان نسل دوم تنها ۴۷٪ افراد به این امر معتقد بودند، درحالی‌که بیش از ۹۰٪ افراد نسل سوم معتقد بودند اکثریت مردم از گروه قومی آنها هستند. این موضوع به این معنی است که باتوجه به واحد بودن محل زندگی، نسل اول خود را بیشتر از نسل‌های دیگر متعلق به گروه قومی فارس/ایرانی و متفاوت از عرب‌های ساکن بحرین می‌دانند، اما نسل‌های دیگر، به‌ویژه نسل سوم، خود را از گروهی متفاوت از عرب‌های بحرینقلمداد نمی‌کنند.

۲- یافته‌های استنباطی

برای پاسخ به پرسش اول و به‌منظور بررسی این‌که آیا از

سنجش نیز از دیدگاه پژوهشگران باتجربه بررسی شد و پس از اعمال نظرات آنها مورد تأیید نهایی قرار گرفت. طیف مورد استفاده برای طراحی پرسش‌نامه طیف لیکرت ۵ مقیاسی است. جامعه مورد بررسی شامل ایرانیانی است که به کشور بحرین مهاجرت کرده و ساکن دائمی بحرین شده‌اند. در مجموع ۴۹ نفر از سه نسل مختلف به‌عنوان جامعه نمونه انتخاب شدند و سپس پرسش‌نامه‌ها به صورت حضوری و با گفتگو با شرکت‌کنندگان تکمیل شدند. داده‌های پژوهش از بهار تا زمستان سال ۹۶ جمع‌آوری گردید. شایان ذکر است این افراد حداکثر تعداد افرادی بودند که در طول ۸ ماه برای شرکت در این پژوهش حاضر شدند.

نتایج و بحث

۱- یافته‌های توصیفی پاسخ‌گویان

براساس یافته‌های حاصل از پرسش‌نامه، چنان که در جدول شماره (۱) دیده می‌شود، از میان پاسخ‌گویان نسل اول ۵۴/۴ درصد مرد و ۴۵/۵ درصد زن بوده‌اند؛ در نسل دوم ۴۷/۱ درصد را مردان و ۵۲/۹ درصد را زنان تشکیل داده‌اند؛ و در نسل سوم ۴۷/۶ درصد مرد و ۵۲/۴ درصد زن بوده‌اند. یافته‌های مربوط به سن و میزان تحصیلات پاسخ‌گویان نیز در جدول‌های (۲) و (۳) آمده است.

جدول ۱. ویژگی‌های توصیفی پاسخ‌گویان بر اساس جنسیت

درصد	فراوانی	جنسیت	نسل‌ها
۵۴/۴	۶	مرد	نسل اول
۴۵/۵	۵	زن	
۴۷/۱	۸	مرد	نسل دوم
۵۲/۹	۹	زن	
۴۷/۶	۱۰	مرد	نسل سوم
۵۲/۴	۱۱	زن	

جدول ۲. ویژگی‌های توصیفی پاسخ‌گویان براساس سن

درصد	فراوانی	سن	نسل‌ها
۱۰۰	۱۱	بالای ۶۰ سال	نسل اول
۲۳/۵	۴	۳۰-۴۰ سال	
۵۸/۸	۱۰	۴۰-۵۰ سال	
۱۷/۶	۳	۵۰-۶۰ سال	نسل دوم
۲۳/۸	۵	کمتر از ۲۰ سال	
۶۱/۹	۱۳	۲۰-۳۰ سال	
۱۴/۳	۳	۳۰-۴۰ سال	نسل سوم

ارتباطات اجتماعی از آن یاد می‌شود؛ و حس تعلق به فرهنگ ایرانی در برابر فرهنگ عربی (نگرش شخصی فرد به هویت قومی اول و دوم خود).

در ابتدا این پنج مؤلفه برای هویت قومی-فرهنگی اولیه آنها (فارس/ایرانی) (حفظ سنت‌های ایرانی، نگرش نسبت به زبان فارسی، نگرش نسبت به فعالیت‌های اجتماعی با افرادی از قوم فارس، نگرش نسبت به ارتباطات اجتماعی با افرادی از قوم فارس و حس تعلق به فرهنگ ایرانی) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس در جدول شماره (۴) نشان می‌دهد سطح معناداری همه مؤلفه‌های نگرش‌های هویت قومی-فرهنگی اولیه آنها (قوم و فرهنگ ایرانی) کمتر از 0.05 است، بنابراین می‌توان گفت میان سه نسل از لحاظ این مؤلفه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.

لحاظ نگرش‌های هویت قومی-فرهنگی میان سه نسل تفاوت معناداری وجود دارد، از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد. پنج مؤلفه زیر، به عنوان مؤلفه‌های اصلی هویت قومی-فرهنگی در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند: زبان در حال کاربرد و نگرش نسبت به زبان فارسی در برابر زبان عربی، که در متن مقاله به طور خلاصه با عنوان **زبان** از آن یاد می‌شود؛ حفظ سنت‌های ایرانی در برابر سنت‌های عربی؛ نگرش نسبت به فعالیت‌های اجتماعی (شرکت در فعالیت‌های اجتماعی مشترک با افراد گروه قومی ایرانی در برابر فعالیت‌های اجتماعی مشترک با عرب‌ها)، که در متن مقاله با عنوان **فعالیت‌های اجتماعی** از آن یاد می‌شود؛ ارتباطات اجتماعی و دوستان (انتخاب دوست از گروه قومی ایرانی یا گروه قومی عرب و میزان اشتراکات زبانی با آنان) که در متن مقاله با عنوان

جدول ۴. تحلیل واریانس تفاوت میان نسل‌ها بر اساس مؤلفه‌های نگرش‌های هویت قومی-فرهنگی اولیه (ایرانی)

میانگین مجذورات		جمع مجذورات		F	سطح معناداری	
بین گروهی	درون گروهی	بین گروهی	درون گروهی			
۴/۹۱۴	۰/۷۸۹	۸/۸۲۸	۳۶/۷۰۳	۶/۱۵۹	۰/۰۰۴	حفظ سنت‌های ایرانی
۲/۵۴۴	۰/۲۶۷	۵/۰۸۸	۱۲/۲۹۹	۹/۵۱۵	۰/۰۰۰	زبان‌فارسی
۲/۸۶۷	۰/۳۹۲	۵/۷۳۳	۱۸/۰۱۲	۷/۳۲۱	۰/۰۰۲	فعالیت‌های اجتماعی
۴/۴۶۵	۰/۴۴۴	۲۰/۴۱۶	۸/۹۳۰	۱۰/۰۶۱	۰/۰۰۰	ارتباطات اجتماعی
۴/۸۹۲	۰/۳۲۸	۹/۷۸۳	۱۵/۰۷۰	۱۴/۹۳۱	۰/۰۰۰	حس تعلق به فرهنگ ایرانی

استفاده از زبان فارسی‌تایم‌یاد داشته‌اند. همچنین، نتایج حاصل از آزمون توکی نشان می‌دهد که به لحاظ مؤلفه نگرش نسبت به فعالیت‌های اجتماعی، نسل اول و دوم در یک طبقه قرار گرفته‌اند؛ یعنی نسل اول و دوم نسبت به نسل سوم تمایلی بیشتری داشته‌اند که در فعالیت‌های اجتماعی با ایرانی‌ها شرکت کنند. همان‌گونه که جدول شماره (۵) نشان می‌دهد، در مؤلفه نگرش نسبت به ارتباطات اجتماعی، نسل اول با میانگین (۳/۸۱۸) بیشترین تمایل را برای معاشرت با دوستانی از گروه قومی فارس داشته‌اند. اما در مقابل، نسل سوم با میانگین (۲/۷۳۸) کمترین تمایل را نشان داده‌اند. همچنین، همان‌گونه که مشخص است، نسل اول با میانگین ۳/۵۲۲ بیشترین و نسل دوم و نسل سوم کمترین حس تعلق را به فرهنگ ایرانی داشته‌اند.

پس از مشخص شدن وجود تفاوت معنادار میان نسل‌ها از لحاظ نگرش‌های هویت قومی-فرهنگی، از آزمون توکی^۱ برای طبقه‌بندی آنها استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون توکی نشان می‌دهد، شرکت‌کنندگان در پژوهش از نظر حفظ سنت‌های ایرانی در سه طبقه، از نظر نگرش نسبت به زبان فارسی و نگرش نسبت به فعالیت‌های اجتماعی با افرادی از قوم فارس در دو طبقه و از نظر مؤلفه نگرش نسبت به ارتباطات اجتماعی و انتخاب دوستان از گروه قومی فارس و حس تعلق به فرهنگ ایرانی در سه طبقه قرار می‌گیرند. از نظر حفظ سنت‌ها، نسل اول با نمره (۳/۷۲۷) بیشترین تمایل را برای حفظ سنت‌های ایرانی داشته‌اند. از نظر مؤلفه نگرش نسبت به زبان فارسی، نسل اول و دوم بیشتر از نسل سوم به

1. Tukey's range test

جدول ۵. طبقه‌بندی گروه‌ها براساس مؤلفه‌های نگرش‌های هویت قومی-فرهنگی اولیه (ایرانی)

معناداری طبقات در سطح آلفا ۰/۰۵													
نسل‌ها	حفظ سنت‌های ایرانی			زبان فارسی			فعالیت‌های اجتماعی			ارتباطات اجتماعی		حس تعلق به فرهنگ ایرانی	
	طبقه یک	طبقه دو	طبقه سه	طبقه یک	طبقه دو	طبقه سه	طبقه یک	طبقه دو	طبقه سه	طبقه یک	طبقه دو	طبقه سه	
نسل اول			۳/۷۲۷			۱/۷۲۷			۲/۵۴۵			۳/۸۱۸	
نسل دوم		۲/۵۲۹			۱/۵۸۸			۳/۰۸۸			۳/۳۲۳	۳/۰۵۱	
نسل سوم	۲/۷۱۴			۱/۱			۲/۶۶۶			۲/۷۳۸		۲/۴۵۸	

عربی، تفاوت معناداری وجود دارد، از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس در جدول شماره (۶) نشان می‌دهد، از آنجا که سطح معناداری همه مؤلفه‌های نگرش‌های هویت قومی-فرهنگی ثانویه آنها کمتر از آلفا ۰/۰۵ است، بنابراین می‌توان گفت از لحاظ این مؤلفه‌ها تفاوت معناداری میان گروه‌ها وجود دارد.

علاوه بر این، به منظور بررسی این که آیا میان گروه‌های مورد مطالعه از لحاظ نگرش‌های هویت قومی-فرهنگی ثانویه (قوم و فرهنگ عرب)، یعنی حفظ سنت‌های عربی، نگرش نسبت به زبان عربی، نگرش نسبت به فعالیت‌های اجتماعی با افرادی از قوم عرب، نگرش نسبت به ارتباطات اجتماعی با افرادی از قوم عرب و حس تعلق به فرهنگ

جدول ۶. تحلیل واریانس تفاوت میان نسل‌ها براساس مؤلفه‌های نگرش‌های هویت قومی-فرهنگی ثانویه (عرب)

میانگین مجذورات	جمع مجذورات		F	سطح معناداری		
	بین گروهی	درون گروهی				
۴/۷۵۸	۰/۶۱۹	۹/۵۱۷	۲۸/۴۸۳	۷/۶۸۵	۰/۰۰۱	حفظ سنت‌های عربی
۱/۹۰۵	۰/۸۹۷	۳/۸۰۹	۴۱/۲۵۲	۲/۱۲۴	۰/۱۳۱	زبان عربی
۲/۷۶۴	۰/۳۱۵	۵/۵۲۹	۱۴/۴۷۱	۸/۷۸۷	۰/۰۰۱	فعالیت‌های اجتماعی
۴/۲۶۴	۱/۲۰۳	۸/۴۹۲	۵۵/۳۵۴	۳/۵۲۹	۰/۰۳۸	ارتباطات اجتماعی
۴/۳۷۶	۰/۱۹۴	۸/۷۵۲	۸/۹۴۴	۲۲/۵۰۵	۰/۰۰۰	حس تعلق به فرهنگ عربی

۳/۵۸۸ تمایل بیشتری نسبت به تکلم به زبان عربی نشان داده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد، هرچند افراد نسل اول نزدیکی بیشتری نسبت به هویت قومی-فرهنگی اولیه خود (فارس/ایرانی) دارند، اما با وجود این، همین افراد بیش از افراد نسل دوم و سوم به حفظ سنت‌های عربی پایبندند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که مهاجران ایرانی نسل اول سنت‌های عربی بحرین را مانند سنت‌های ایرانی خود مورد توجه قرار می‌دهند، در صورتی که حفظ سنت‌ها در میان جوانان (نسل دوم و سوم) چندان مورد توجه نیست. همچنین، از لحاظ مؤلفه نگرش نسبت به فعالیت‌های اجتماعی با افرادی از قوم عرب، نسل اول کمترین تمایل را داشته‌اند، که فقط در فعالیت‌های اجتماعی با افرادی از قوم عرب شرکت کنند و برعکس نسل سوم و دوم، نسبت به نسل اول، تمایل بیشتری برای فعالیت‌های اجتماعی با افرادی از قوم عرب نشان داده‌اند. علاوه بر این، از نظر مؤلفه نگرش

پس از مشخص شدن وجود تفاوت معنادار میان گروه‌های مورد مطالعه از لحاظ مؤلفه‌های نگرش‌های هویت قومی-فرهنگی ثانویه (عرب)، از آزمون توکی برای طبقه‌بندی آنها استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون توکی نشان می‌دهد، گروه‌های مورد مطالعه از لحاظ مؤلفه‌های حفظ سنت‌های عربی، زبان و نگرش نسبت به زبان عربی، نگرش نسبت به فعالیت‌های اجتماعی با افرادی از قوم عرب و نگرش نسبت به ارتباطات اجتماعی با افرادی از قوم عرب، در دو طبقه، و از لحاظ مؤلفه حس تعلق به فرهنگ عربی در سه طبقه قرار گرفته‌اند. همان گونه که جدول شماره (۷) نشان می‌دهد، از لحاظ مؤلفه حفظ سنت‌ها، نسل اول و دوم بیشترین تمایل را نسبت به حفظ سنت‌های عربی داشته‌اند. از لحاظ مؤلفه زبان و نگرش نسبت به زبان عربی، نسل اول با میانگین ۳/۲۷۲ کمترین تمایل را نسبت به زبان عربی داشته، اما نسل سوم و دوم به ترتیب با میانگین ۴/۶۱۹ و

قومی فارس داشته باشند. درباره حس تعلق به فرهنگ عربی، همان‌گونه که مشخص است، نسل اول با میانگین ۳/۳۰۳ کمترین حس تعلق را به فرهنگ عربی داشته‌اند. این نشان می‌دهد که این نسل هنوز حس تعلق بیشتری به هویت گروه قومی-فرهنگی ایرانی خود دارند. بعد از نسل اول، نسل دوم و پس از آن نسل سوم بیشترین حس تعلق را به فرهنگ عربی نشان داده‌اند.

نسبت به ارتباطات اجتماعی با افرادی از قوم عرب، از میان گروه‌های مورد مطالعه نسل سوم با میانگین ۴/۲۷۲ بیشترین تمایل را داشته‌اند که فقط دوستان عرب داشته باشند؛ یعنی آنها ترجیح داده‌اند که فقط دوستان بحرینی عرب داشته باشند. اما نسل اول و دوم کمترین تمایل را داشته‌اند که فقط ارتباطات اجتماعی با عرب‌ها را تجربه کنند، بلکه برعکس آنها بیشتر ترجیح می‌دهند که دوستانی از گروه

جدول ۷. طبقه‌بندی گروه‌ها براساس نگرش‌های هویت قومی-فرهنگی ثانویه (عرب)

معناداری طبقات در سطح آلفا ۰/۰۵										
نسل اول	حفظ سنت‌های عربی		زبان عربی		فعالیت‌های اجتماعی		ارتباطات اجتماعی		حس تعلق به فرهنگ عربی	
	طبقه یک	طبقه دو	طبقه یک	طبقه دو	طبقه یک	طبقه دو	طبقه یک	طبقه دو	طبقه یک	طبقه دو
	۳/۲۲۸	۳/۲۷۲	۳/۱۸۱		۳/۵۲۳		۳/۳۰۳			
نسل دوم	۲/۸۸۲	۳/۵۸۸		۳/۸۵۲	۳/۷۰۵		۳/۹۶۰			
نسل سوم	۲/۰۹۰	۴/۶۱۹		۴/۰۴۷	۴/۲۷۲		۴/۴۶۰			

قومی-فرهنگی را در میان نسل‌های مختلف می‌توان به صورت پیوستاری تلقی کرد.

برای پاسخ به پرسش دوم، به منظور بررسی رابطه میان زبان در حال کاربرد و نگرش نسبت به زبان و دیگر مؤلفه‌های هویت قومی-فرهنگی، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون، چنان که در جدول شماره (۸) پیدا است، نشان می‌دهد میان زبان فارسی و دیگر مؤلفه‌های هویت قومی-فرهنگی اولیه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارتی، هرچه میزان دانش زبانی و تسلط بر زبان فارسی و کاربرد آن در بین مهاجران ایرانی ساکن بحرین بیشتر باشد، نگرش مثبت نسبت به حفظ سنت‌های ایرانی، فعالیت‌های اجتماعی با افرادی از قوم فارس، ارتباطات اجتماعی با افرادی از قوم فارس و حس تعلق به فرهنگ ایرانی در آنان افزایش می‌یابد.

به این ترتیب، نتایج داده‌های آماری به خوبی نشان می‌دهد که در میان این سه نسل از نظر مؤلفه‌های هویت قومی-فرهنگی تفاوت معناداری وجود دارد. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که نسل اول مهاجران احساس تعلق خاطر بیشتر و بهتری نسبت به گروه هویتی اولیه خود یعنی هویت قومی فارس دارند و این وابستگی فرهنگی و حس تعلق در نسل‌های دیگر به تدریج کم شده است. این نکته در همه مؤلفه‌های هویت قومی-فرهنگی قابل مشاهده است. البته همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد، از این نظر نمی‌توان فاصله مشخصی میان نسل‌ها در نظر گرفت. در طبقه‌بندی مؤلفه‌ها در برخی موارد این سه نسل در دو طبقه و در برخی موارد در سه طبقه جای می‌گیرند و این بدان معنی است که نمی‌توان مرز مشخصی میان هویت قومی-فرهنگی در میان افراد سه نسل ترسیم کرد، بلکه هویت

جدول ۸. ضریب همبستگی پیرسون میان زبان فارسی و دیگر مؤلفه‌های هویت قومی-فرهنگی اولیه (ایرانی)

مؤلفه‌ها	ارزش‌ها	زبان (فارسی)	نگرش‌های فرهنگی
زبان (فارسی)	همبستگی پیرسون	۱	۰/۷۰۴**
	سطح معناداری	۰	۰/۰۰۰
	تعداد	۴۹	۴۹
دیگر مؤلفه‌های هویت قومی-فرهنگی اولیه (فارس / ایرانی)	همبستگی پیرسون	۰/۷۰۴**	۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰
	تعداد	۴۹	۴۹

تسلط بر زبان عربی و کاربرد آن در بین مهاجران ایرانی ساکن بحرین بیشتر باشد، نگرش مثبت نسبت به حفظ سنت‌های عربی، فعالیت‌های اجتماعی با افرادی از قوم عرب، ارتباطات اجتماعی با افرادی از قوم عرب و حس تعلق به فرهنگ عربی در آنان افزایش می‌یابد.

همچنین، همین نتایج ذکر شده دربارهٔ رابطهٔ مثبت میان زبان عربی و دیگر مؤلفه‌های هویت قومی-فرهنگی در مورد زبان عربی نیز صادق است. بر اساس جدول شمارهٔ (۹)، نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد میان زبان عربی و دیگر مؤلفه‌های هویت قومی-فرهنگی ثانویه رابطهٔ مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارتی، هرچه میزان دانش زبانی و

جدول ۹. ضریب همبستگی پیرسون میان زبان عربی و دیگر مؤلفه‌های هویت قومی-فرهنگی ثانویه (عرب)

مؤلفه‌ها	ارزش‌ها	زبان (عربی)	نگرش‌های فرهنگی
زبان (عربی)	همبستگی پیرسون	۰/۴۳۶**	۱
	سطح معناداری	۰	۰/۰۰۲
	تعداد	۴۹	۴۹
نگرش‌های فرهنگی	همبستگی پیرسون	۰/۴۳۶**	۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۲	۰
	تعداد	۴۹	۴۹

مؤلفه‌های مورد نظر این پژوهش انتخاب شدند. بررسی یافته‌های پژوهش نشان داد همهٔ شرکت‌کنندگان در این پژوهش از نظر وضعیت اجتماعی و اقتصادی (مالکیت) در حد مطلوب بودند و از نظر محل سکونت، در یک محل واحد زندگی می‌کردند، اما نگرش آنان نسبت به ترکیب قومی محل زندگی متفاوت بود. نسل اول خود را بیشتر از نسل‌های دیگر متعلق به گروه قومی فارس و متفاوت از عرب‌های ساکن بحرین می‌دانستند، اما نسل‌های دیگر به‌ویژه نسل سوم خود را از گروهی متفاوت از عرب‌های بحرین نمی‌دانستند. برای بررسی تغییر نگرش‌های هویت قومی-فرهنگی در سه نسل، پنج مؤلفه ذکر شده مورد بررسی قرار گرفت. درخصوص هویت قومی-فرهنگی فارس (اولیه) این افراد نتایج نشان داد تفاوت معناداری میان سه نسل به‌لحاظ این مؤلفه‌ها وجود دارد. به‌لحاظ حفظ سنت‌ها، حس تعلق به فرهنگ ایرانی و ارتباطات اجتماعی، نسل اول بیشترین تمایل را برای حفظ سنت‌های ایرانی داشته‌اند و دو نسل دیگر در یک طبقه قرار گرفتند و به‌لحاظ مؤلفهٔ نگرش نسبت به زبان فارسی و فعالیت‌های اجتماعی، نسل اول و دوم بیشتر از نسل سوم تمایل به استفاده از زبان فارسی داشتند و در یک طبقه جای گرفتند. در خصوص نگرش‌های هویت قومی-فرهنگی ثانویه (قوم و فرهنگ عرب) نیز تفاوت معناداری میان سه نسل یافت شد. گروه‌های مورد مطالعه به‌لحاظ مؤلفه‌های حفظ سنت‌های عربی، زبان و نگرش نسبت به

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که زبان در حال کاربرد و نگرش نسبت به زبان نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در تعیین و حفظ هویت قومی-فرهنگی مهاجران دارد و بر تمامی مؤلفه‌های هویت قومی-فرهنگی تأثیرگذار است و با آنها رابطه‌ای مثبت و معنادار دارد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی تغییرات در نگرش‌های هویت قومی-فرهنگی و تأثیر زبان در حال کاربرد و نگرش نسبت به زبان (فارسی و عربی) بر دیگر مؤلفه‌های هویت قومی-فرهنگی در بین سه نسل از ایرانیان مهاجر در بحرین انجام شد. به این منظور بخشی از پرسش‌نامهٔ استاندارد ارتباطات متقابل بین فرهنگی در جوامع متکثر (MIRIPS) به کار گرفته شد و از میان مؤلفه‌های هویت فرهنگی و قومی مورد نظر در پروژهٔ MIRIPS، زبان در حال کاربرد و نگرش نسبت به زبان فارسی در برابر زبان عربی؛ حفظ سنت‌های ایرانی در برابر سنت‌های عربی؛ نگرش نسبت به فعالیت‌های اجتماعی (شرکت در فعالیت‌های اجتماعی مشترک با افراد گروه قومی فارس در برابر فعالیت‌های اجتماعی مشترک با عرب‌ها)؛ ارتباطات اجتماعی و دوستان (انتخاب دوست از گروه قومی فارس یا گروه قومی عرب و میزان اشتراکات زبانی با آنان)؛ و حس تعلق به فرهنگ ایرانی در برابر فرهنگ عربی (نگرش شخصی فرد به هویت قومی اول و دوم خود) به عنوان

قومی-فرهنگی تفاوت معناداری وجود دارد و نسل اول مهاجران احساس تعلق خاطر بیشتر و بهتری نسبت به گروه هویتی اولیه خود یعنی هویت قومی فارس دارند و این وابستگی فرهنگی و حس تعلق در نسل‌های دیگر به تدریج کم شده است. این نکته در همه مؤلفه‌های هویت قومی-فرهنگی قابل مشاهده است. همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد، از این نظر نمی‌توان فاصله مشخصی میان نسل‌ها در نظر گرفت. در طبقه‌بندی مؤلفه‌ها در برخی موارد این سه نسل در دو طبقه و در برخی موارد در سه طبقه جای می‌گیرند و این بدان معنی است که نمی‌توان مرز مشخصی میان هویت قومی-فرهنگی در میان افراد سه نسل ترسیم کرد، بلکه هویت قومی-فرهنگی را در میان نسل‌های مختلف می‌توان به صورت پیوستاری تلقی کرد. همچنین نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که زبان در حال کاربرد و نگرش نسبت به زبان نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در تعیین و حفظ هویت قومی-فرهنگی مهاجران دارد و بر تمامی مؤلفه‌های هویت قومی-فرهنگی تأثیرگذار است و با آنها رابطه‌ای مثبت و معنادار دارد. بنابراین، مهم‌ترین نتیجه‌ای که از یافته‌های این پژوهش می‌توان گرفت این است که یکی از راه‌های حفظ هویت قومی-فرهنگی مهاجران ایرانی حفظ زبان فارسی و یادگیری آن توسط مهاجران است. این موضوع رسالت سنگینی است که برعهده همه نهادهای آموزشی، فرهنگی و بین‌المللی ایرانی در ایران و خارج از آن است.

زبان عربی، نگرش نسبت به فعالیت‌های اجتماعی با افرادی از قوم عرب و نگرش نسبت به ارتباطات اجتماعی با افرادی از قوم عرب در دو طبقه و به لحاظ مؤلفه حس تعلق به فرهنگ عربی در سه طبقه قرار گرفتند. به لحاظ مؤلفه حفظ سنت‌ها، نسل اول و دوم بیشترین تمایل را نسبت به حفظ سنت‌های عربی داشتند، اما تمایل نسل سوم در این زمینه کمتر بود. ای نیافته‌ها نشان می‌دهد هرچند افراد نسل اول نزدیکی بیشتری نسبت به هویت قومی-فرهنگی خود دارند، اما با این حال همین افراد، بیش از افراد نسل دوم و سوم به حفظ سنت‌های عربی پایند هستند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که مهاجران ایرانی نسل اول که میانگین سن آنها بیش از ۶۰ سال است، سنت‌های عربی بحرین را مانند سنت‌های ایرانی خود مورد توجه قرار می‌دهند، در صورتی که حفظ سنت‌ها در میان جوانان (نسل دوم و سوم) چندان مورد توجه نیست. به لحاظ مؤلفه زبان و نگرش نسبت به زبان عربی، فعالیت‌های اجتماعی با افرادی از قوم عرب و ارتباطات اجتماعی با افرادی از قوم عرب، از میان گروه‌های مورد مطالعه نسل سوم بیشترین تمایل را نسبت به دو نسل پیش از خود نشان دادند. در خصوص حس تعلق به فرهنگ عربی، نسل اول کمترین و نسل سوم بیشترین حس تعلق به فرهنگ عربی را نشان دادند.

به این ترتیب، نتایج داده‌های آماری به خوبی نشان می‌دهد که در میان این سه نسل از نظر مؤلفه‌های هویت

منابع

- اسماعیلی، رضا، ثریا معمار و صدیقه رئوفی‌منش (۱۳۹۰). بررسی جایگاه هویت فرهنگی ایران در کتاب‌های کودکان در سال‌های ۷۵، ۸۰ و ۸۵. نامه پژوهش فرهنگی، دوره ۱۲، شماره ۱۳، ۹-۴۰.
- آزاد ارمکی، تقی و عارف وکیلی (۱۳۹۲). مطالعه جامعه‌شناختی تعریف مفهوم هویت ملی میان اندیشمندان ایرانی. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، دوره ۲، شماره ۱، ۹-۳۵.
- آشنا، حسام‌الدین و محمدرضا روحانی (۱۳۸۹). هویت فرهنگی ایرانیان از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۳، شماره ۴ (پیاپی ۱۲)، ۱۵۷-۱۸۴.
- برمن، مارشال (۱۳۸۲). تجربه مدرنیته: هر آنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود. مترجم: مراد فرهادپور. تهران: طرح نو.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی. مترجم: تورج احمدی. تهران: شیرازه.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی هویت ایرانی. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- دانش، پروانه و عاطفه توکلی (۱۳۹۳). مطالعه هویت نسل دوم ایرانیان خارج از کشور. پژوهشنامه توسعه فرهنگی اجتماعی، دوره ۱، شماره ۲، ۲۳-۴۰.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۲). مشکل هویت. تهران: نشر نی.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۹). زمینه فرهنگی‌شناسی. تهران: انتشارات عطار.
- ریتزر، جرج (۱۳۸۹). مبانی نظریه جامعه‌شناسی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن. مترجم: شهناز مسماپرست. تهران: نشر ثالث.
- علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۶). هویت فرهنگی ایرانیان و عقب‌ماندگی یک بررسی علی. در: هویت ایران، به

- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات، قدرت هویت (جلد دوم). مترجم: حسین چاوشیان. تهران: طرح نو.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. مترجم: ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
- میرزایی، حسین، توکل آقاییاری هیری و سجاد قربان‌پور (۱۳۹۲). بررسی رابطه زبان مادری با هویت ملی و هویت قومی. راهبرد اجتماعی-فرهنگی، دوره ۳، شماره ۹، ۸۱-۵۹.
- نواح، عبدالرضا و سیدمجتبی تقوی‌نسب (۱۳۸۶). تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویت ملی: مطالعه موردی اعراب استان خوزستان. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۸، شماره ۲، ۱۴۲-۱۶۳.
- Kritz, M. M. (2007). Migration: International. In G. Ritzer (Ed.), *The Blackwell encyclopedia of sociology* (Vol. 5) (pp. 3019-3025). Oxford: Blackwell Publishing.
- Phinney, J. S., & Ong, A. D. (2007). Conceptualization and measurement of ethnic identity: Current status and future directions. *Journal of Counseling Psychology*, 54(3), 271-281.
- اهتمام علی‌اکبر علیخانی، (صص ۹۵-۱۴۱). تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.
- فروتن، یعقوب (۱۳۹۱). بررسی اجتماعی و جمعیت‌شناختی مناسبات هویت و مهاجرت. فصلنامه مطالعات ملی، دوره ۱۳، شماره ۲ (پیاپی ۵۰)، ۷۳-۹۴.
- فکوهی، ناصر (۱۳۹۵). هویت فرهنگی چیست؟ تارنمای انسان‌شناسی و فرهنگ. برگرفته از: https://article.irna.ir/fa/c1_7423/
- قمری، محمدرضا (۱۳۸۵). نقش زبان در تأمین امنیت ملی. فصلنامه دانش انتظامی، دوره ۸، شماره ۴، ۹۴-۱۰۷.
- قمری، محمدرضا و محمد حسن‌زاده (۱۳۸۹). نقش زبان در هویت ملی. زبان‌پژوهی، دوره ۲، شماره ۳، ۱۵۳-۱۷۲.
- Schnepf, S. V. (2007). Immigrants' educational disadvantage: An examination across ten countries and three surveys. *Journal of Population Economics*, 20(3), 527-545.
- Trofimovich, P., & Turuševa, L. (2015). Ethnic identity and second language learning. *Annual Review of Applied Linguistics*, 35, 234-252.